

A Critical Reading of the Report on the Age of Umm al-Mu'minīn Khadīja (peace be upon her) at the Time of Her Marriage to the Holy Prophet in Mawsū'at al-Tārīkh al-Islāmī*

Research Article

Emamatpajouhi,
Thirteenth year, vol .1
Spring & Summer 2023
DOI:10.22034/
jep.2025.478398.1625
jep.emamat.ir



copyright© the authors

Seyyed Hossein Khādemiyān Nūshābādī¹

Abstract

Studies in Islamic history, like other subjects, require constant review and re-examination, and this has always received the attention of researchers. The mercenary writers of usurping rulers and ignorant, biased Orientalists, like the two blades of a pair of scissors, have constantly sought to create all kinds of cutting and distortion in order to portray Islamic history as disfigured and tainted.

The age of Umm al-Mu'minīn Khadīja (peace be upon her) at the time of her marriage, as well as the claim that she had been previously married, is among the well-known issues in Islamic history that are open to criticism and require careful reading, because they are among the cases distorted by mercenary writers and Orientalists.

Using a descriptive-analytical method and a library-based approach, this study addresses the question of how old Khadīja (peace be upon her) was when she married the Holy Prophet. By examining the reports in Mawsū'at al-Tārīkh al-Islāmī, the study concludes that Yūsufī Gharawī, regarding Khadīja's age at marriage, fell into error, selective quotation, and distortion, and did not remain faithful to his own claim of pursuing a scholarly and Shī'ī historiography. By omitting various reports, he concealed the truth from the reader and presented an account fully in line with the aims of certain biased Sunni historians.

Keywords: Umm al-Mu'minīn Khadīja; forty years old; Yūsufī Gharawī; Mawsū'at al-Tārīkh al-Islāmī; 'Ā'ishah.

*. Data of receipt: 22/6/2024, Data of acceptance: 20/11/2024.

1. PhD in Islamic History, Faculty of History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran; Comparative Jurisprudence, Higher School of Jurisprudence, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. taha_khademian@yahoo.com.

قراءة نقدية لتقرير سنّ السيدة أم المؤمنين خديجة عليها السلام عند زواجها من النبي صلّى الله عليه وآله في كتاب موسوعة التاريخ الإسلامي*

السيد حسين خادميان نوش آبادي^١

الملخص

تتطلب دراسات تاريخ الإسلام، كغيرها من الموضوعات، مراجعة واكتشافاً دائماً، وقد حظيت هذه المسألة باهتمام الباحثين باستمرار. لقد كانت أقلام المرتزقة للحكام الظالمين والمستشرقين المتحيزين كالشفرتين لمقص، تسعى دائماً لإحداث أي نوع من التقطيع والتحريف لتشويه تاريخ الإسلام وإظهاره مشوهاً وملوثاً. يعدّ سنّ السيدة أم المؤمنين خديجة عليها السلام عند زواجها وادعاء سابقة زواجها من الموضوعات المشهورة في تاريخ الإسلام، والتي تحتوي على تقارير قابلة للنقد وتتطلب قراءة دقيقة، إذ هي من الحالات التي تعرّضت لتحريف أقلام المرتزقة والمستشرقين. يتناول هذا البحث، بالمنهج الوصفي - التحليلي والأسلوب المكتبي، سؤال: كم كان عمر السيدة خديجة عليها السلام عند زواجها بالنبي الأكرم صلّى الله عليه وآله؟ ومن خلال دراسة تقارير كتاب موسوعة التاريخ الإسلامي، تبين أن اليوسفي الغروي أخطأ في تحديد سنّها، إذ قام بتحريف وتقطيع المصادر، ولم يلتزم بوعده تجاه التدوين التاريخي البحثي والشمعي. فقد حذف عدة تقارير وأخفى الواقع عن القارئ، مقدماً تقريراً متوافقاً مع أهداف بعض المؤرخين المتحيزين من أهل السنة، ومماثلاً لبعض مؤرخي العامة، لتبرير مكانة بعض زوجات النبي صلّى الله عليه وآله من خلال تقارير مصمّمة ومزوّرة.

الكلمات المفتاحية: السيدة خديجة عليها السلام، الأربعون سنة، اليوسفي الغروي، موسوعة التاريخ الإسلامي، عائشة.

*. تاريخ التسليم: ٢٠٢٤/٦/٢٢، تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١١/٢٠.

١. دكتوراه في التاريخ الإسلامي، كلية التاريخ، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران؛ الفقه المقارن، المدرسة العليا للفقه، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران. taha_khademian@yahoo.com.

خوانشی انتقادی از گزارش سن حضرت امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کتاب موسوعة التاريخ الإسلامي*

مقاله پژوهشی

سید حسین خادمیان نوش آبادی^۱

چکیده

مباحث تاریخ اسلام، مانند دیگر موضوعات، نیازمند بازنگری و بازشناسی دائمی است و این مهم همواره مورد توجه پژوهشگران قرار دارد. قلم به مزدهای حکام غاصب و مستشرقان غرض ورز جاهل، مانند دو تیغه یک قیچی، دائماً در حال ایجاد هر نوع تقطیع و انحراف به منظور مشوه و آلوده جلوه دادن تاریخ اسلام بوده و هستند. سن حضرت امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج و ادعای سابقه ازدواج ایشان، از موضوعات مشهور تاریخ اسلام است که دارای گزارشاتی قابل نقد است و خوانشی دقیق را طلب می‌کند؛ زیرا از مواردی است که مورد تحریف قلم به مزدها و مستشرقان قرار گرفته است.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای به این پرسش می‌پردازد که حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چند ساله بوده‌اند. پژوهش با بررسی گزارش‌های کتاب موسوعة التاريخ الإسلامي به این نتیجه رسیده است که یوسفی غروی در خصوص سن ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام بر خطا، تقطیع و تحریف رفته و بر وعده خود در جهت تاریخ‌نگاری تحقیقی و شیعی وفادار و استوار نمانده است. او با حذف گزارشات مختلف، واقعیت را از خواننده پنهان و گزارشی کاملاً مطابق با اهداف برخی مورخان مغرض اهل سنت ارائه کرده و مانند یک مورخ مغرض سنی تاریخ‌نگاری

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۳۰.

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشکده تاریخ دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران و فقه مقارن، مدرسه عالی فقه جامعه المصطفیٰ صلی الله علیه و آله و آله، قم، ایران. taha_khademian@yahoo.com.

نموده است. گزارش وی، همانند جمعی از مورخان عامه، در راستای جایگاه بخشی به برخی همسران پیامبر، با گزارشات مهندسی شده و مجعول همراه است.

کلیدواژه‌ها: حضرت خدیجه علیها السلام، چهل سالگی، یوسفی غروی، موسوعة التاريخ الإسلامي، عایشه.

مقدمه

یکی از بارزترین کارشکنی‌های منافقان، تحریف اخبار زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام است؛ تاجایی که از برخی همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مدت کوتاهی با ایشان زندگی کرده‌اند، بیش از صدها حدیث نقل شده، اما از حضرت امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام که در طول بیست و پنج سال زندگی مشترک، از جمله پانزده سال حساس‌ترین دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، زندگی کرده‌اند، شاید به تعداد انگشتان دو دست نیز حدیثی نقل نشده است. یکی از مهم‌ترین دلایل فقر اخبار صحیح در خصوص صدر اسلام، همین حقیقت تلخ است.

حضرت خدیجه علیها السلام حالات مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله، مانند عبادات، ادب فردی و اجتماعی و... را بیش از همه درک کرده‌اند؛ اما بر اثر بغض جریان ضد رسالت و امامت، همچنین وقایعی مانند ارادت خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام، جنگ جمل، تیرباران پیکر امام حسن علیه السلام توسط یکی از همسران پیامبر و...، تاریخ زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام تحریف شده و داستان ما از این گنجینه بی نظیر تهی مانده است.

بانویی که آرزوی جبرئیل، ابلاغ سلام خدا و خود به او بوده^۱ و در زبان وحی از او به عنوان مبارکه یاد شده^۲ و مصداق برگزیدگان الهی در آیه ۳۳ سوره آل عمران بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرد غافل از مقام حضرت خدیجه علیها السلام را با عبارت «مگر نمی‌دانی (نادانی)» سرزنش فرموده است.^۳ در عظمت انفاق ایشان آیه: «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ

۱. قمی، عباس بن محمد رضا، سفینه البحار، ۵۶۷/۲.

۲. همان، ص ۵۷۱.

۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۸۰.

أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ^۱ کافی است.

این پژوهش به تحلیل و ریشه‌یابی اخبار در این خصوص اقدام کرده و با نگرش انتقادی به گزارشات مندرج در منابع و آثار با محوریت کتاب موسوعة التاريخ الإسلامي، به ریشه‌یابی گزارش چهل سالگی حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج پرداخته است. تا آنجا که مؤلف استقرا نموده، این گونه خوانش برای اولین بار در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام دختر خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب است. قصی، جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. هر دو نوه حضرت ابراهیم علیه السلام هستند و ریشه خانوادگی متحد دارند.^۲ مادر ایشان جناب فاطمه بنت زائده، از نوادگان قصی است.^۳ براساس مستندات مختلف^۴ و با تأمل در روایت امام صادق علیه السلام که فرمودند که او سرور زنان قریش بود و هر زمامدار و رئیسی او را خواستگاری کرده بود، ولی خودش را فقط به عقد کسی درآورد که خبر بحیرا به او رسیده بود.^۵ حضرت خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ ازدواج دیگری نداشته‌اند.

jep.emamat.ir

گذرگاه اصلاّب والامرتبه و ارحام پاک

در متون زیارتی آمده است: «أشهد أنكم الأئمة الراشدون المهتدون... لم تزالوا بعين الله ينسخكم في أصلاّب كلّ مطهر وينقلكم من أرحام المطهّرات لم تدنّسكم الجاهليّة الجاهلاء».^۶ مفهوم فراز «أصلاّب كلّ مطهر» و «ينقلكم من أرحام» فقط

۱. حدید: ۱۰ (کسانی که قبل از فتح مکه در راه خدا انفاق کردند و جنگیدند، با بقیه مساوی نیستند. آن‌ها مقامی دارند خیلی برتر از کسانی که بعد از فتح مکه در راه خدا انفاق نموده و جنگیدند. البته خدا به همه آنان پاداش نیک وعده داده است. بله، خدا از کارهایتان آگاه است).

۲. اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ص ۲۹.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، ۳۹۶/۱.

۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ۱۹۱/۲.

۵. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۳۲۵.

۶. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتّهجد، ص ۴۹۶. (شهادت می‌دهم که حقیقتاً پیوسته خداوند شما را در صلب‌های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاک نقلتان داده

طهارت ظاهری در نکاح نیست؛ بلکه طهارت از نجاست شرک نیز مورد نظر است و این نکته از متن زیارت قابل استظهار است.

شیخ طوسی در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که ما را از صلبی به صلب دیگر در صلب های مردان پرهیزکار و و از رحم زنان عفیف منتقل نمودند.^۱ این طهارت شامل پاکی از آلودگی ظاهری و ناپاکی درونی مانند شرک و نفاق و... است.^۲ و این شخصیت ها از گذرگاه اصلا ب شامخه و ارحام مطهره عبور کرده اند.^۳

بررسی اجمالی ازدواج های منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام

ادعا شده حضرت خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با عتیق بن عائد (خالد) بن عبدالله بن عمر بن مخزوم و ابو هاله نباش بن زراره تمیمی ازدواج کرده است. این ادعا چندین اشکال دارد:

اول: این دو نفر مجهول بوده و هیچ خبری از آنان جز یک نام در راستای همین ادعا در منابع وجود ندارد.^۴

دوم: نام هیچ یک از این دو نفر در میان اسامی موحدان در عرب جاهلی وجود ندارد.^۵ در حالی که موحد بودن حضرت خدیجه علیها السلام از درخواست ایشان از ورقه بن نوفل مسیحی، جهت تطبیق اخبار انجیل با حالات و آداب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وادله دیگر ثابت است.^۶ براین اساس گزارش ازدواج با کافر قابل پذیرش نیست؛ زیرا رسم قریش در جاهلیت این بوده که با همتای خود ازدواج می کردند.^۷ این دو، نه تنها از جهت کفر همتای حضرت خدیجه علیها السلام نیستند بلکه برخی آنان را لئیم دانسته اند.^۸

و هرگز آلودگی دوران جاهلیت شما را آلوده نکرده و شریک و همتای شما نشده است پاکیزه اید و محل نشو و نمای شما نیز پاک و پاکیزه است).

۱. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ۳۹۶/۱.

۲. جوادی آملی، عبد الله، ادب فنای قربان، ۲۷/۹.

۳. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ۱۶۹/۱۳.

۴. قرشی، باقر، موسوعة سيرة أهل البيت علیهم السلام، ۱۰۶/۱.

۵. دینوری، عبد الله بن قتیبه، المعارف، ص ۵۸.

۶. همان، ص ۵۹.

۷. آلوسی، سید محمود، بلوغ الأرب، ۳/۲.

۸. طبری، حسن بن علی، کامل بهائی، ص ۲۷۲.

برخی جعل این ازدواج‌ها را بدعتی از سوی منافقان اعلام کرده‌اند.^۱ همچنین با مبانی اعتقادی برگرفته از قرآن و روایات نیز تضاد، دارد؛ زیرا آیه تطهیر هرگونه رجس و نجاست را از وجود اهل بیت (علیهم السلام) دور دانسته درحالی که رحم حضرت خدیجه (علیها السلام) ظرف نور وجودی حضرت زهرا و امامان معصوم (علیهم السلام) است.^۲ کافر براساس تصریح قرآن کریم نجس است،^۳ و نور وجودی معصومان از اصلاّب و ارحام پاک به اصلاّب و ارحام موحد و پاک منتقل شده است. حضرت زهرا (علیها السلام) به جهت اینکه مادر امامان است، از برترین مصداقیق آیه «وَتَقَلَّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ»^۴ است، بنابراین طهارت امامان از هرگونه رجس یک اصل است.^۵ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قبل از تولد جسماتی حضرت زهرا (علیها السلام) موظف شدند تا چهل روز از جامعه و حضرت خدیجه (علیها السلام) دوری نماید،^۶ حال چگونه می‌توان پذیرفت، صلب پدر باید آمادگی ویژه پیدا نماید، اما رحم مادر بارها در معرض نطفه کافر قرار گرفته باشد؟ بدون تردید کالبد نورانی حضرت خدیجه (علیها السلام) باید منزّه و مطهر از هرگونه آلودگی و نجاست (نطفه کفار) باشد. اینکه برخی ادعا کنند این سخن به ولادت از راه نکاح و نفی ولادت از راه زنا اشاره دارد،^۷ حرفی سست و بی پایه است؛ زیرا بیشتر انسان‌ها در طول تاریخ حلال زاده و از طریق نکاح (براساس رسوم قبیله و...) متولد شده‌اند و زنازاده نیستند. سوم: درباره این دو فرد ناشناس، اخبار متضاد وجود دارد؛ برخی می‌نویسند عتیق بن عائذ حضرت خدیجه (علیها السلام) را طلاق داده و بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ایشان ازدواج کرده^۸، و برخی می‌نویسند عتیق فوت نموده و بعد ابو هاله - و در برخی از گزارش‌ها به عکس - با ایشان ازدواج کرده است.^۹

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۳/۳۸۳.

۳. مفید، محمد بن نعمان، سلسله مولفات شیخ مفید (تصحیح اعتقادات الإمامیه)، ۱۳۹/۵.

۴. شعرا: ۲۱۹.

۵. احزاب: ۳۳.

۶. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۳/۳۸۳.

۷. صادقی کاشانی، مصطفی، درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ نگاری اسلامی، ص ۳۵.

۸. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، ۲/۳۵.

۹. جزری، علی بن محمد، أسد الغابة، ۶/۸۲.

چهارم: ناقلان سابقه ازدواج (هشام بن محمد بن سائب کلبی، زبیر بن بکار، قتاده) نزد علمای امامیه و عامه مجروح هستند. درباره هشام بن محمد، گفته شده مدت ها گرفتار فراموشی شد و سپس -ظاهراً- بدست امام صادق علیه السلام شفا یافت.^۱ از تاریخ بغداد نقل شده او چیزی را فراموش می کرد که هیچ کس فراموش نمی کرد.^۲ معلوم نیست این خبر وی مربوط به کدام دوران حیات اوست، زمان نسیان یا آخر عمر. شیخ مفید رحمته الله زبیر بن بکار را کینه توز و غیر موثق معرفی نموده و هیچ یک از گزارش های او درباره اهل بیت علیهم السلام را قابل اعتماد نمی داند.^۳ عالمان اهل سنت او را جاعل معرفی کرده اند.^۴ گفته شده او از ترس علویان فراری بوده است.^۵ قتاده نیز مطرود و دراز ناحیه امامان علیهم السلام ملعون بوده است.^۶

پنجم: در گزارشات تاریخی آمده است که حضرت خدیجه علیها السلام پس از عقد به ورقه بن نوفل دستور داد تا به همگان اعلام کند که تمام اموال خود را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هبه نموده است؛ ورقه بین مقام و زمزم همگان را بر این هبه شاهد گرفت و سه روز جشن بزرگی برگزار شد. اهل مکه و روستاهای اطراف در آن حاضر شدند.^۷ بدیهی است باتوجه به موقعیت اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام، اگر ایشان سابقه ازدواج داشت، گزارشی از آن نقل می شد.

ششم: روایتی که منسوب به امام حسن علیه السلام است، دارای اشکالات سندی و محتوایی است. برخی اهل تحقیق این اشکالات را بیان نموده اند، مانند اینکه امام حسن علیه السلام شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده و نیازی نیست کسی برای ایشان پیامبر صلی الله علیه و آله را وصف کند! یا چرا باید این گزارش را از امام حسین علیه السلام پنهان نماید! یا اینکه معلوم نیست هند مرد یا زن بوده و درباره سرنوشت او اخبار متضاد متعدد وجود دارد و...^۸

۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ۴۰۹/۲.

۲. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ۵۶۸/۱۰.

۳. بغدادی، محمد بن نعمان، سلسله مولفات شیخ مفید (المسائل السروية)، ۸۷/۷.

۴. مدائنی، عبد الحمید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ۱۱۰/۲۰.

۵. جزری، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، ۵۲۶/۶.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۵۶/۶ و ۳۱۲/۸.

۷. مرقم، سید عبد الرزاق بن محمد، وفاة الصديقة الزهراء علیها السلام، ص ۱۲.

۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ۲۲۰/۲.

بنابراین ارحامی که ظرف ولادت معصومان علیهم السلام هستند، از هر نوع رجس محفوظ بوده‌اند. صدف وجود حضرت خدیجه علیها السلام که حامل مروارید وجود حضرت زهرا علیها السلام بوده نیز از هرگونه پلیدی پاک بوده است. ازاین‌رو کسانی که نوشته‌اند حضرت خدیجه علیها السلام زنی بیوه بوده‌اند، مسلط به تاریخ اسلام نبوده و فقط از آثار عامه و منابع امامیه بدون تحلیل، رونویسی غلط کرده‌اند.^۱

گزارش موسوعة التاريخ الإسلامي درباره سن ازدواج

یوسفی غروی در کتاب موسوعة التاريخ الإسلامي چنین گزارش می‌دهد: دولابی با سندی از عمار بن ابی عمار از ابن عباس روایت می‌کند که خدیجه علیها السلام بیست و هشت ساله بود. اربلی به واسطه کتاب جنابذی نقل کرده است: «از ابن عباس روایت شده: او بیست و هشت ساله بود». این مطلب را به هیچ سندی استناد نداده است. اما آنچه در کتاب دولابی آمده، چنین نیست؛ بلکه خبری را ابن ابی عمار از ابن عباس در مورد تزویج خدیجه علیها السلام به وسیله پدرش روایت کرده است و ظاهراً قائل در اینجا که می‌گوید: به من رسیده، ابن حماد دولابی است چنانکه اربلی هم همین‌طور فهمیده و نه ابن عباس. اما ابن خشاب در فهم و نقل مطلب اشتباه کرده و آن را به ابن عباس نسبت داده است؛ بنابراین، خبری که حضرت خدیجه علیها السلام را به‌هنگام ازدواج بیست و هشت ساله می‌داند، در مرفوعه دولابی منحصر می‌شود و نسبت دادن آن به ابن عباس صحیح نیست.

در مورد خبری که سن ازدواج را چهل سال می‌داند، اگرچه یعقوبی به آن تصریح نکرده است، اما در مورد وفات خدیجه علیها السلام گفته: در شصت و پنج سالگی وفات کرد. مقتضای آن این است که سن ایشان هنگام ازدواج چهل سال بوده است. طبری قول کلبی را نقل کرده که هنگام ازدواج چهل ساله بود و مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد که چهل سال داشت. در التنبيه والاشراف آمده است: شصت و پنج سالگی وفات کرد. سبط ابن جوزی می‌نویسد: در شصت و پنج سالگی وفات کرد. كشف الغمة به نقل از معالم العترة النبوية و به نقل از طبقات، مرفوعاً

۱. زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام، ص ۲۰۸.

به حکیم بن حزام اسناد می‌دهد: خدیجه علیها السلام در شصت و پنج سالگی وفات کرد. کازرونی می‌گوید: پیامبر با خدیجه علیها السلام که چهل ساله بود، ازدواج کرد. مورخان متقدم بر قول مشهور چهل سالگی اتفاق نظر داشته‌اند و اگرچه تمام گزارش‌ها به حکیم بن حزام منتهی می‌شود، اما وی از خویشاوندان نزدیک خدیجه علیها السلام است و به احوالش آگاه‌تر بوده و گزارشی نیز با این نقل قول مشهور تعارض ندارد.^۱

نقد گزارش

یوسفی غروی با تقطیع نقل از کشف الغمة و انتخاب سلیقه محور، اقدام به قلب و تحریف مطلب از متن دولابی نموده است. حال نقل دولابی را عیناً مرور می‌کنیم: ثنا حماد بن سلمة، عن عمار بن أبي عمار، عن ابن عباس - فيما يحسب حماد -: أن رسول الله صلى الله عليه وآله ذكر لخديجة فقالت خديجة لأبيها: إن محمد بن عبد الله يخطبني. فزوجها إياه وبلغني أن رسول الله صلى الله عليه وآله تزوج خديجة على اثنتي عشرة أوقية ذهباً، وهي يومئذ ابنة ثمان وعشرين سنة.^۲

متن بیانگر این نکته است که الذریة الطاهرة مانند حماد این نقل را از ابن عباس می‌داند. اتفاقاً نسبت دادن «بلغني» به غیر ابن عباس نیازمند دلیل است و به صرف گمان و حدس، اصل مسئله مخدوش نمی‌شود. پس باید «بلغني» به ابن عباس نسبت داده شود.

گزارشات سن بیست و هشت سالگی

یوسفی غروی، بیست و هشت سالگی حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله را منحصر در نقل دولابی، و سن چهل سالگی را مشهور و مقبول می‌داند؛ در حالی که در نقل‌های متعددی، سن حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج بیست و هشت سالگی گزارش شده است، مانند گزارش‌های ابن سعد^۳، بلاذری^۴،

۱. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعة التاريخ الإسلامي، ۳۰۹/۱.

۲. دولابی، محمد بن احمد، الذریة الطاهرة، ص ۵۲.

۳. زهری، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۲۵۰/۸.

۴. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، ۱۰۸/۱.

فاسی^۱، ابن حمّاد^۲، حاکم نیشابوری^۳، و ابن کثیر^۴. بیشتر علما قول بیست و هشت ساله بودن حضرت خدیجه علیها السلام را ترجیح داده‌اند.^۵

گزارشات سن بیست و پنج سالگی

بیهقی گزارش می‌دهد که حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام وفات پنجاه ساله بوده و معتقد است قول صحیح نیز همین است.^۶ ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از بعثت بوده است.^۷ بنابراین، وقتی ایشان در زمان وفات، یعنی سال دهم بعثت، پنجاه ساله باشند و پانزده سال قبل از بعثت هم ازدواج کرده باشند، سن آن حضرت در زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیست و پنج سال بوده است. حلبی می‌نویسد که قولی وجود دارد که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج بیست و پنج سال داشته است.^۸ مشاهده می‌شود که یوسفی غروی به این اخبار معارض و متفاوت هیچ اشاره‌ای نکرده است. نکته مهم دیگر این است که او تنها به گزارشی از کشف الغمة بسنده کرده که از نظر او نسبت آن به ابن عباس مورد تردید است؛ درحالی‌که در گزارش دیگر اربلی، به صراحت سن بیست و هشت سالگی به ابن عباس استناد داده شده و هیچ اشاره‌ای به عبارت: «عن ابن عباس: وهي ابنة ثمانی وعشرين سنة»^۹ نکرده است.

jep.emamat.ir

روش یوسفی غروی در مواجهه با گزارشات

بر اساس روش یوسفی غروی، قبول یک خبر مستلزم سلامت آن از تناقض و مخالفت با عقل قطعی اتفاقی و از موازین و معیارهای نقد گزارشات و پذیرش اخبار است.^{۱۰}

۱. فاسی، محمد بن احمد، العقد الثمین، ۳۷۳/۱.

۲. شبر، عبد الله بن محمد رضا، جامع المعارف والأحكام، ۳۳۳/۱۳.

۳. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۲۰۰/۳.

۴. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایة والنهاية، ۲۹۳/۵.

۵. مامقانی، عبد الله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی علم الرجال، ۱۸۶/۱.

۶. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة، ۵۳/۲.

۷. همان، ۵۴/۲.

۸. حلبی، علی بن ابراهیم، السيرة الحلبیة، ۲۰۴/۱.

۹. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ۴۸۳/۱.

۱۰. یوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع و روش نقد اخبار، ص ۱۱۲.

حال نقل‌های مخالف با سن چهل سالگی که ارائه شد، در کتاب موسوعه ایشان دیده نمی‌شود و در این خصوص مخاطب با انتخاب گزینشی و دوگانگی در معیار مواجه است. یوسفی غروی با حذف این گزارشات درصدد القای سن چهل سالگی عمل کرده است.

نقد گزارش بر اساس متون فقهی

با مراجعه به متون فقهی مشخص می‌شود، روایت‌هایی که درباره یائسگی زنان قریشیه در منابع روایی آمده، با نقد محدثین و فقهای عظام مواجه است. امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است حضرت خدیجه رضی الله عنها در زمان ازدواج بیست و پنج ساله بوده‌اند و می‌نویسد: «پیامبر اکرم وقتی به رسالت مبعوث شد، حضرت امیر رضی الله عنه و یک زن چهل ساله یعنی حضرت خدیجه رضی الله عنها به او ایمان آوردند»^۱. ایشان بعید نمی‌داند که روایت شصت سال ناشی از اشتباه راویان و نسخه‌نویسان باشد، لذا قابل‌اعتماد نیست. ایشان بیشتر احتمال می‌دهد که نسخه‌نویسی اولیه تهذیب الأحکام اشتباه شده باشد؛ زیرا فتوا به روایت شصت سالگی پس از عصر شیخ طوسی، در دوره محقق و علامه اتفاق افتاده است.^۲

شیخ مرتضی حائری نیز معتقد است که نقل دارای خطا بوده؛ زیرا در دو نقل دیگر از عبد الرحمن، حد یائسگی پنجاه سال اعلام شده و سند همه به صفوان می‌رسد. بنابراین، ظاهراً از سوی برخی از شاگردان صفوان، اشتباهی صورت گرفته است، و به نظر می‌رسد مرسله کلینی نیز همان روایت عبد الرحمن است. با فرض عدم ترجیح میان نقل پنجاه سال و شصت سال، دلیلی بر ترجیح شصت سال نمی‌توانیم اقامه کنیم؛ پس در این حالت باید بر این نظر استوار شویم که یا سن را به طور مطلق پنجاه سال دانست، یا اینکه زن قریشیه نباشد.^۳ همچنین علامه محمدتقی مجلسی تأکید کرده است که اکثر زنان سیده در پنجاه سالگی یائسه

۱. موسوی خمینی، روح الله، موسوعة الإمام الخميني (ولایت فقیه - حکومت اسلامی)، ۱۴۴/۲۱.

۲. همو، موسوعة الإمام الخميني (کتاب الطهارة)، ۴۹/۱-۴۵.

۳. حائری یزدی، مرتضی، شرح العروة الوثقی، ۱۶/۵-۱۵.

می‌شوند^۱ و این نظرها با استبعاد محقق همدانی در حمل روایت شصت سالگی بر زنان قریشی نیز همخوانی دارد.^۲

اثبات تعارض دو روایت از آنچه قابل انکار باشد روشن‌تر است؛ زنان دارای احکام خاصی در باب حیض هستند و این احکام تا رسیدن به سن معین، ادامه دارد. روایت پنجاه سالگی دلالت بر پایان این احکام دارد و روایت شصت سالگی دلالت بر ادامه آن پس از پنجاه سال. بنابراین تناقض و تعارض رخ داده است.^۳ پس هر دو روایت ساقط می‌شوند.^۴ و روایت عبد الرحمن «مضطرب» است؛ زیرا علاوه بر نقل پنجاه سال، روایت شصت سال را نیز نقل کرده است.^۵ با دقت در کتاب موسوعة التاريخ الإسلامي مشخص می‌شود که مؤلف سن حضرت خدیجه عليها السلام را هنگام وفات شصت و پنج سال ذکر کرده^۶، ولادت حضرت زهرا عليها السلام را سال پنج بعثت دانسته^۷ و رحلت حضرت خدیجه عليها السلام را در سال دوازده بعثت گزارش کرده است: «عن علي بن الحسين عليه السلام : كانت خديجة عليها السلام قد ماتت قبل الهجرة بسنة».^۸

اگر قول یوسفی غروی را بپذیریم که حضرت خدیجه عليها السلام در زمان ازدواج چهل ساله بوده‌اند، در زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پنجاه و پنج و در زمان رحلت شصت و هفت ساله بوده‌اند. اگر نقل دیگر ایشان که رحلت حضرت خدیجه عليها السلام را در سال ده بعثت می‌داند^۹ پذیرفته شود، حضرت خدیجه عليها السلام در سن شصت سالگی حضرت زهرا عليها السلام را وضع حمل کرده است. با توجه به اینکه زنان در سن پنجاه سالگی یائسه می‌شوند، یعنی حضرت خدیجه عليها السلام ده سال بعد از سن یائسگی نیز باردار شده‌اند.

۱. مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، ۶۳۴/۱.

۲. همدانی، رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، ۵۹/۴.

۳. بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة، ۱۷۳/۳.

۴. نراقی، احمد، مستند الشیعة، ۳۷۸/۲.

۵. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان، ۱۴۴/۱.

۶. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعة التاريخ الإسلامي، ۳۱۱/۱.

۷. همان، ۳۲۳/۱.

۸. همان، ۵۹۶/۱.

۹. همان، ۵۹۹/۱.

با توجه به مسئله مخالفت اهل مکه با نبوت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله این خبر، باید به عنوان یک خبر ویژه توجه همگان را جلب می‌کرد و در میان زنان و مردم به عنوان یک امر عجیب شهرت پیدا نموده و در تاریخ نقل می‌شد. در حالی که هیچ یک از مورخان چنین مسائلی را گزارش نکرده‌اند. با نقل نظرات مختلف فقها روشن شد، اتکای یوسفی غروی به مسئله یائسگی زنان قریشیه در شصت سالگی فاقد تحقیق و تحلیل لازم است. با توجه به سن یائسگی زنان و پذیرش گزارش وجود چند فرزند برای حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله؛ سن چهل سالگی در هنگام ازدواج قابلیت استناد ندارد. بنابر مطالب بیان شده، سه مطلب ثابت می‌شود: نقل بیست و هشت سال از ابن عباس بوده و ادعای تردید صرفاً یک احتمال واهی است. گزارش چهل سالگی، معارضات فراوان دارد و منابع معتبر آن را نقض و بی اعتبار می‌کنند. سن بیست و هشت و بیست و پنج سالگی نیز در بسیاری از منابع آمده و گزارش‌ها منحصر به چهل سالگی نیست.

ریشه یابی نقل چهل سالگی

چگونه می‌شود درباره سن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان بعثت، مستند قابل اعتنایی نداشته باشیم و همه منابع بدون سند صرفاً سن چهل سالگی را مطرح کرده‌اند؛ به طوری که می‌توان گفت سن چهل سالگی در بعثت، مشهور شده اما فاقد اعتبار لازم است. اما درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این همه احتمالات مختلف وجود دارد و از میان آنان، یوسفی غروی با تحلیل ذوقی و تقطیع شده، بدون دلیل مناسب، چهل سالگی را به عنوان عدد معتبر و مشهور و بدون معارض اعلام می‌کند.

گزارش حکیم بن حزام

یوسفی غروی می‌نویسد که طبری قول کلبی را که چهل سالگی است گزارش کرده، و مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد چهل ساله بوده است. در التنبيه والاشراف نیز آمده که در سن شصت و پنج سالگی فوت کرده است. و همه مورخان متقدم بر

قول چهل سالگی اتفاق نظر دارند. این نقل قول‌ها به حکیم بن حزام منحصر می‌شود که خویشاوند خدیجه علیها السلام و نسبت به احوال ایشان آگاه‌تر است. از حکیم بن حزام سؤال شد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگ‌تر بوده یا خدیجه علیها السلام وی گفت: «خدیجه علیها السلام پانزده سال بزرگ‌تر بود و پیش از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله، نماز بر عمه‌ام حرام شده بود.» واقدی می‌گوید منظور این است که پیش از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله، حیض می‌شده است.^۱

شرح حال حکیم بن حزام

ابو خالد حکیم بن حزام بن خویلد بن اسد بن عبد العزی، مادرش صفیه یا فاخته بنت زهیر بن حارث بن اسد بن عبد العزی است. وی برادرزاده ام المؤمنین خدیجه علیها السلام و عموزاده زبیر بن العوام است. سیزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده^۲، حدود صد و بیست سال عمر کرده و در دهه اول حکومت معاویه درگذشته است.^۳ وی در سال فتح مکه اسلام آورد^۴، از مؤلفه قلوبهم^۵ و طلقاً^۶ بود. دار الندوه را در اختیار داشت، و آن را به صد هزار درهم به معاویه فروخت.^۷ در جنگ بدر علیه پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر کشید^۸ و جزء جماعتی بود که تصمیم به قتل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفتند.^۹ در جریان اعدام خبیب بن عدی حاضر بود و برای فرار از نفرین خبیب، در میان درختان پنهان شد.^{۱۰} عوض دو رأس اسبی که از او هلاک شد، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیصد رأس اسب طلب نمود.^{۱۱} او در مدینه ساکن شد. امام صادق علیه السلام

۱. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعة التاريخ الإسلامي، ۳۱۲/۱.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من أنساب الأشراف، ۴۵۴/۹.

۳. دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۱۲۹/۱۵.

۴. جوزی، عبد الرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوك والأمم، ۹۰/۴.

۵. بغدادی، محمد بن حبیب، المنقذ فی أخبار قریش، ص ۵۳۳.

۶. حسنی، سید نبیل، خدیجة علیها السلام بنت خویلد ائمة جمعت فی امرأة، ۱۲/۴.

۷. عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمییز الصحابة، ۹۸/۲.

۸. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، ۷۱/۱.

۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۵۴/۲.

۱۰. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، ۲۶۵/۱.

۱۱. همان، ۷۱۹/۳.

فرمودند که او تمام آذوقه واردشده به مدینه را می‌خرد و احتکار می‌کرد، پیامبر اکرم ﷺ به شدت به او هشدار داد.^۱

حکیم پیش از مرگ نابینا شد^۲، در واقعه عثمان طرفدار وی بود و همراه زبیر و عده‌ای^۳ برای دفن عثمان به سمت بقیع و سپس حشّ کوکب (مقبره یهودیان) رفت^۴ و بر جسد عثمان نماز خواند.^۵ عثمان در حشّ کوکب دفن شد.^۶ البته ابتدا اکثریت مردم مانع از دفن عثمان شدند و جنازه او سه روز بر زمین معطل ماند. حکیم بن حزام، جبیر بن مطعم، نیار بن مکرم و ابو جهم بن حذیفه به محضر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمده و از آن حضرت اجازه دفن عثمان را گرفتند. اما عده‌ای جسد عثمان را برداشته و در مزبله رها کردند. سه روز جسد عثمان در میان کثافات معطل ماند^۷ و سگ‌ها یک پای او را خوردند.^۸ حکیم بن حزام به مانعان گفت که به خدا تا یک نفر از فرزندان قصی زنده باشد، اجازه نمی‌دهیم عثمان در گورستان یهودیان دفن شود. سرانجام با وجود مخالفت‌های شدید، حکیم بر جنازه عثمان نماز خواند.^۹ برخی گزارش داده‌اند حکیم بن حزام فقط در تشییع حضور داشت.^{۱۰} ابن خلدون نیز از دفن عثمان توسط ابن حزام گزارش می‌دهد.^{۱۱} حکیم بن حزام با این که درباره عثمان چنین غیرت نشان داد، ولی هیچگاه اهل بیت علیه السلام را خصوصاً در جریان هجوم به بیت حضرت زهرا علیه السلام یاری نکرد. درحالی که درباره بدهکاری بیش از دو میلیون درهمی زبیر به پسرش گفت: می‌توانی از من کمک بگیری.^{۱۲}

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۶۵/۵.
۲. دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۱۲۸/۱۵.
۳. جزری، علی بن محمد، أسد الغابة، ۱۸۰/۳.
۴. اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفرید، ۴۰/۵.
۵. شیبانی، خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۷۷.
۶. تتوی، احمد و قزوینی، آصف خان، تاریخ الفی، ۲۵۲/۱.
۷. کوفی، احمد بن اعثم، کتاب الفتوح، ۹۴۵/۲.
۸. تتوی، احمد و قزوینی، آصف خان، تاریخ الفی، ۲۵۲/۱.
۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۴۱۳/۴.
۱۰. صلابی، علی محمد، موسوعة السیر، ۳۷۹/۵.
۱۱. اشبیلی، عبد الرحمن بن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ۵۸۹/۱.
۱۲. زهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۹۳/۳.

نقد گزارش

یوسفی غروی ادعا می‌کند تمام مورخان متقدم، بر چهل سالگی حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج اتفاق دارند. او به طبری، مسعودی و جمعی دیگر استناد می‌کند. قبل از نقد این ادعا، نکته مهم این است که وی به سیره ابن هشام هیچ اشاره‌ای نکرده است؛ درحالی‌که در سیره ابن هشام، که از منابع متقدم است، سخنی از چهل سالگی وجود ندارد. صرفاً صفات و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است.^۱ واضح است اگر چهل سالگی مطرح بود و نقلی از حکیم بن حزام وجود داشت، ابن هشام آن را نقل می‌کرد، مخصوصاً وقتی سن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تصریح کرده است: «فلما بلغ رسول الله صلی الله علیه و آله خمساً وعشرين سنة، تزوج خديجة علیها السلام بنت خويلد بن أسد».^۲

در خصوص نقل طبری، یوسفی غروی بدون ذکر سند، فقط ادعا می‌کند که هشام بن محمد گزارش کرده حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج چهل ساله بوده است.^۳ طبری یک قول بدون سند را گزارش کرده و اقوال دیگر را ذکر نکرده است. درباره نظر واقدی که ابن سعد آن را گزارش داده و مستند به حکیم بن حزام است، او سن بیست و هشت سالگی را هم گزارش نموده است.^۴

یوسفی غروی در نقل یعقوبی نیز با تقطیع گزارش می‌دهد، درحالی‌که یعقوبی گزارش کرده هنگام ازدواج ایشان بیست و پنج یا سی ساله بوده است.^۵ اگر سن ایشان سی سال باشد، ادعای پانزده سال بزرگ‌تر بودن خدیجه علیها السلام توسط حکیم بن حزام مردود می‌شود. یعقوبی به تفصیل واقعه ازدواج را از زبان عمار نقل می‌کند ولی هیچ اشاره‌ای به بزرگ‌تر بودن حضرت خدیجه علیها السلام آن هم با تفاوت پانزده سال ندارد. درحالی‌که عمار می‌گوید من از همه به این ازدواج آگاه‌ترم. یوسفی غروی این جمله

۱. حمیری، عبد الملك بن هشام، السيرة النبوية، ۲۲۴/۱.

۲. همان، ۲۲۴/۱.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۵۲۱/۱.

۴. زهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۲۵۰/۸.

۵. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ۳۴۰/۱.

۶. همان.

را از عمار نقل نمی‌کند اما مدعی است چون حکیم بن حزام خویشاوند حضرت خدیجه علیها السلام است از همه به این ازدواج آگاه تر است.

درباره مسعودی، یوسفی غروی باز هم مطلب را تقطیع کرده و کامل نقل نکرده است؛ مسعودی می‌نویسد که سن ایشان غیر از چهل سال هم گزارش شده است.^۱ درباره نقل ابن جوزی، یوسفی غروی گزارشات دیگر را حذف کرده و صرفاً نوشته: «هي بنت أربعين سنة وهو الأصح».^۲ ابن جوزی می‌نویسد خدیجه علیها السلام هنگام وفات شصت و پنج سال و پیامبر چهل و هفت سال داشت؛^۳ در این صورت حضرت خدیجه علیها السلام هجده سال از پیامبر بزرگ تر است. پس نقل پانزده سال مردود می‌شود. در نقل کازرونی^۴ نیز چند اشکال وجود دارد، مانند:

حضرت خدیجه علیها السلام را پدرش در حالی که مست بود به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله درآورد. این گزارش مردود است؛ زیرا پدر حضرت خدیجه علیها السلام قبل از جنگ فجار فوت کرده است. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله زیر درخت خوابید و درخت میوه داد، چرا تنها راهب تعجب کرد و همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله نه؟

تناقض در گزارش خوابیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و حضور خزیمه و راهب.

پیامبر صلی الله علیه و آله به راهب توهین کرده، که با ادب ایشان تعارض دارد.

یوسفی غروی برای گرایش‌های مذهبی - سیاسی راوی، اهمیت ویژه‌ای قائل است؛^۵ اما در اینجا بر روش خود وفادار نبوده و هیچ نگاهی به اغراض و باورهای مذهبی - فکری حکیم بن حزام ندارد، و هیچ تحقیق حتی حداقلی برای کشف تاریخی بر اساس عقیده شیعی که وعده داده بود، در این موضوع ننموده است.

یوسفی غروی قائل است در ترجیح، اخبار منابع کهن و متقدم اولویت دارد؛^۶ پس

۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ۲/۲۸۹.

۲. سبط ابن الجوزی، یوسف بن قزاوعلی، تذکرة الخواص، ۲/۳۰۵.

۳. همان، ۲/۳۱۱.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۱۹/۱۶.

۵. یوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع و روش نقد اخبار، ص ۱۲۶.

۶. همان، ۱۱۶.

چرا این گزارش در منبعی مثل سیره ابن هشام وجود ندارد. همچنین در سایر منابع کهن این مسئله.

یوسفی غروی، برای القای ازدواج‌های قبلی حضرت خدیجه علیها السلام، به ابن هشام استناد دارد^۱ ولی در بحث سن هیچ اشاره‌ای نکرده است.

در گفتار حکیم بن حزام، تصریح به چهل سالگی نیست بلکه با تطبیق با گزارش‌های دیگر که در آن سن بیست و پنج سالگی را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان ازدواج نقل کرده‌اند، یوسفی غروی بحث چهل سالگی را استظهار می‌کند. درحالی‌که اگر قرار است چنین محاسبه‌ای صورت گیرد، باید همه اقوال درباره سن ایشان بررسی شود. به عنوان مثال نقل محب الدین طبری که می‌گوید سن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان ازدواج بیست و یک، بیست و پنج و سی سال هم گفته‌اند.^۲ اگر بخواهیم گزارش پانزده سال بزرگتر بودن حکیم بن حزام را با این نقل تبیین کنیم، باید بگوییم ممکن است سن آن حضرت سی شش یا چهل یا چهل و پنج بوده است.

آیا درباره تفاوت سن پیامبر صلی الله علیه و آله فقط از حکیم بن حزام سؤال شده و از شخص دیگر نه؟ یوسفی غروی با وجود این همه موارد ثابت شده در شخصیت ضد اهل بیت علیهم السلام و ارتباط با زبیریان که علاقه و تلاش شدیدی در بزرگ کردن عایشه و تضعیف جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام داشتند، همچنان نقل او را به صرف فامیلی معتبر دانسته است. حکیم در دار الندوه با مکرکنندگان علیه پیامبر صلی الله علیه و آله همراه شد، در جریان عثمان غیرت نشان داد، حال چگونه می‌توان به نقل منحصر به فرد او اعتماد کرد؟

با دقت در فضیلت‌تراشی برای حکیم، مانند اینکه مصعب بن زبیر مدعی شد حکیم در کعبه متولد شده است.^۳ و سعی در شباهت‌سازی با امیرالمؤمنین علیه السلام داشته به گونه‌ای که ادعا نموده‌اند روزهای آخر عمر فقط می‌گفت: لا إله إلا الله^۴، معلوم می‌شود یکی از روش‌های مقابله با فضائل اهل بیت علیهم السلام توسط زبیریان و امویان جعل

۱. همو، موسوعة التاريخ الإسلامي، ۳/۱۲.

۲. طبری، احمد بن عبد الله، السمط الثمین، ص ۳۰.

۳. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۵۵۰/۳.

۴. دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۱۲۷/۱۵.

اخبار است. هزار نفر قصاص از معاویه حقوق می گرفتند^۱ تا احادیث داستان‌های دروغین مانند: ابو بکر و عمر آقای پیران بهشت هستند^۲، یا درخواست پیامبر ﷺ از خدا جهت استحکام اسلام با ایمان ابو جهل یا عمر^۳ را جعل و نشر دهند. در زمان ما نیز افرادی حتی شأن نزول آیات درخصوص لیلة المبيت را انکار می کنند.^۴ در همین راستا، برای جلوه یافتن عایشه باید با جعل اخباری مانند بزرگسالی آن حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج، اذهان را به این اخبار ساختگی مشغول نمایند. بنابراین با توجه به منفرد بودن گزارش حکیم بن حزام، عثمانی - زبیری بودن وی نمی شود به نقل وی اعتماد نمود. یوسفی غروی معتقد است پذیرش منفردات باید همراه خبر یا قرائن مؤید دیگر باشد.^۵

گزارش عایشه

عایشه می گوید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خانه خارج نمی شد مگر اینکه خدیجه علیها السلام را مدح می نمود. من حسادت کردم و گفتم: او پیرزنی بیش نبود که خدا بهترش را نصیب تو کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت خشمگین شد و فرمود: نه به خدا قسم، خدا بهتر از او را نصیب نکرد.^۶ و با دیدن هاله خواهر خدیجه علیها السلام به یاد خدیجه علیها السلام افتاد و از آمدن او شاد شد. من با حسادت گفتم: چقدر از پیرزنی که دندان در دهان نداشت و خدا بهتر از او را به تو داد یاد می کنی؟!^۷ با اینکه خدیجه علیها السلام را ندیده بودم، به هیچ کدام از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله چون خدیجه علیها السلام حسادت نمی کردم^۸؛ زیرا او را بسیار یاد و تمجید می نمود.^۹

۱. طائی، نجاح، الموسوعة العلوية الشاملة، ۲۳۳/۱۴.

۲. شیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ص ۵۴.

۳. همان، ص ۷۶.

۴. یوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع و روش نقد اخبار، ص ۱۱۱.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة في تمييز الصحابة، ۱۰۳/۸.

۷. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایة والنهاية، ۱۲۸/۳.

۸. نویری، احمد بن عبد الوهاب، نهاية الأرب في فنون الأدب، ۱۵۳/۳.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاري، ۳۱۷/۴.

نقد گزارش

در گزارش‌های عایشه، هرگز تصریح به سن چهل سالگی یا عدم باکرگی خدیجه علیها السلام نشده است؛ صرفاً سخن از سن بالا است. در گزارش عایشه از واژه «عجوزه» استفاده شده است. با تتبع مشخص می‌شود در هیچ فرهنگی پیرزن به معنای زن چهل ساله نیست و در لغت نیز به زن چهل ساله «عجوزه» نمی‌گویند. عجوزه زنی است که از انجام امور طبیعی و باروری ناتوان است.^۱ طبق آیه بیست و نه سوره ذاریات، زنی که توان حامله شدن ندارد، عجوزه نامیده می‌شود. حضرت خدیجه علیها السلام در تمام موارد معنوی و جسمانی، بهترین و بالاترین بود و تا حیاتشان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همسری اختیار نکرد و رحلت ایشان بر اثر بیماری بود، نه کهولت سن.

عایشه طبق اقرار خود، در زمان خشم و حسادت سخن گفته است؛^۲ واضح است که سخن هنگام خشم و غلیان حسادت قابلیت استناد ندارد. اگر حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج چهل ساله بود، عایشه باید مرتباً و در مجالس مختلف به این موضوع اشاره می‌کرد، نه فقط هنگام خشم.

عایشه نه تنها نسبت به خدیجه علیها السلام بلکه نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل توهین و آزار بوده است.^۳ دشمنی‌ها، کینه‌ها و اغراض سیاسی و اختلافات پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حدی رسید که عاملان این اختلافات هزاران خبر جعلی ساختند و عایشه و یاران وی در این راستا نقش فعالی داشتند.^۴ یوسفی غروی در اینجا برخلاف روش خود، هیچ توجهی به انگیزه‌های عایشه نکرده است.

نتیجه

با استفاده از هیچ‌یک از گزارش‌ها نمی‌توان سن چهل سالگی حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج را ثابت نمود. برعکس، با دقت در داده‌های تاریخی و روایی مشخص

۱. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین، ۲۵/۴.

۲. شبیبانی، احمد بن محمد، مسند أحمد، ۲۲۱/۷؛ قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ۶۴۳/۱.

۳. زهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۱۷۱/۸.

۴. یوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع و روش نقد اخبار، ص ۹۹.

می‌شود که حضرت خدیجه علیها السلام در سنین جوانی بوده است. گزارش چهل ساله بودن آن حضرت در زمان ازدواج، گزارشی فاقد سند صحیح و متفرد است که اخبار معارض زیادی دارد. یوسفی غروی بدون بررسی و تحلیل گزارش‌ها و با نگرش سطحی، با تکرار و تقلید از آثار عامه بدون دلیل و سند کافی، حکم به چهل سالگی می‌کند و برخلاف روش خود، بدون در نظر گرفتن اغراض فردی، مذهبی و سیاسی حکیم بن حزام و عایشه، به چهل سالگی اشاره دارد. با امعان نظر در گزارش‌های موجود می‌توان گفت حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج، سن متعارف دختران زمان خود را داشته، دوشیزه بوده و تنها با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج کرده است. همچنین ممکن است از نظر سن، کوچک‌تر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر زنانی که بعداً به نکاح پیامبر صلی الله علیه و آله درآمده‌اند، بوده باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۲۹.

---، مسند أحمد، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، چاپ سوم، قم مقدسه: مرکز الطباعة والنشر للمجمع العالمي لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۶.

اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان، چاپ اول، قم مقدسه: جامعه مدرسين، ۱۴۱۳.

اشبیلی، عبد الرحمن بن خلدون، تاریخ ابن خلدون (دیوان المبتدا والخبر في تاریخ العرب والبربر)، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷.

اصفهانى، على بن حسين، مقاتل الطالبیین، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۴۱۹.

اندلسی، احمد بن محمد، العقد الفريد، چاپ اول، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۹.

آلوسی، سید محمود، بلوغ الأرب، چاپ اول، بیروت: المكتبة العصرية.

بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة، چاپ اول، قم مقدسه: جامعه مدرسين، ۱۳۷۷ ش.

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ترجمه عبدالعلی نوراحراری، چاپ

بغدادی، محمد بن نعمان، سلسله مؤلفات الشيخ المفيد، چاپ اول، بيروت: دار المفيد، ۱۴۱۴.

جزري، علي، بن محمد، أسد الغاية، جاب اول، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩.

جوادی آملی، عبد الله، ادب فناي مقربان، چاپ دوم، قم مقدسه: اسراء، ۱۳۹۵ش.

حائری یزدی، مرتضی، شرح العروة الوثقی، چاپ اول، قم مقدسه: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۳۱.

حلبی، علی بن برهان الدین، السیرة الحلبیة، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷.

حميرى، عبد الملك بن هشام، السيرة النبوية، چاپ اول، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۱.

دمشقي، علي بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، چاپ اول، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵.

دولابی، محمد بن احمد، الذرية الطاهرة، چاپ دوم، قم مقدسه: جامعه مدرسين، ۱۴۱۸.

دینوری، عبد اللہ بن مسلم، المعارف، چاپ اول، قم مقدسہ: شریعت، ۱۴۲۷.

زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، چاپ چهاردهم، تهران: سمت، ۱۳۹۹ ش.

زهري، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، چاپ اول، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷.

سبط ابن الجوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرة الخواص، چاپ دوم، قم مقدسه: المجمع العالمي لأهل البيت (ع)، ۱۴۳۳.

شبر، سید عبد الله، جامع المعارف والأحكام، چاپ اول، قم مقدسه: مؤسسة آل البيت (ع)، لإحياء التراث، ۱۴۴۴.

شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، چاپ چهارم، قم مقدسه: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۸.

شیبانی، خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، چاپ اول، ریاض: دار طيبة، ۱۴۰۵. صادقی کاشانی، مصطفی، درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ نگاری اسلامی، چاپ دوم، قم مقدسه: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ ش.

صلابی، علی محمد، موسوعة الشیر، چاپ اول، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۳۰. طائی، نجاح، الموسوعة العلویة الشاملة، چاپ اول، بیروت: دار الهدی لإحياء التراث، ۱۴۴۱.

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ اول، قم مقدسه: مؤسسة آل البيت (ع)، لإحياء التراث، ۱۴۱۷.

طبری، احمد بن عبد الله، السمط الثمین، چاپ اول، مصر: دار الحديث، ۱۹۸۹ م. طبری، حسن بن علی، کامل بهائی، چاپ اول، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳ ش. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، چاپ سوم، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۵ م. طوسی، محمد بن حسن، الأمالي، تحقیق صادق حسن زاده، چاپ اول، قم مقدسه: اندیشه هادی، ۱۳۸۸ ش.

---، مصباح المتجهد، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)، چاپ اول، بیروت: المركز الإسلامي للدراسات، ۱۴۳۱.

عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة في تمييز الصحابة، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۹.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۱.

فاسی، محمد بن احمد، العقد الثمين في تاريخ البلد الأمين، چاپ اول، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹.

قرشی، باقر، موسوعة سيرة أهل البيت (عليه السلام)، چاپ اول، قم مقدسه: دار المعروف، ۱۴۳۰.
قزوينی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، چاپ اول، بیروت: دار احیاء الكتب العربية، ۱۳۷۳.

قمی، عباس بن محمد رضا، سفينة البحار، چاپ دوم، قم مقدسه: اسوه، ۱۴۱۶.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، چاپ سوم، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
کوفی، احمد بن اعثم، کتاب الفتح، چاپ اول، دار الأضواء، ۱۴۱۱.
کوفی، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الکوفي، چاپ اول، تهران: دفتر نشر و فرهنگ، ۱۴۱۰.

مازندرانی، محمد بن شهرآشوب، مناقب آل أبي طالب، چاپ اول، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۲.

مامقانی، عبد الله بن محمد حسن، تنقيح المقال في علم الرجال، چاپ اول، مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث، ۱۳۸۱ ش.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۰۳.
مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، چاپ سوم، قم مقدسه: اسماعیلیان، ۱۴۱۴.
مدائنی، عبد الحميد بن ابی الحديد، شرح نهج البلاغة، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربي.

مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجواهر، چاپ اول، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۷.

مقرم، سيد عبد الرزاق بن محمد، وفاة الصديقة الزهراء (عليها السلام)، چاپ اول، بیروت: أعلمی، ۱۴۳۶.

موسوی خمینی، روح الله، موسوعة الإمام الخميني، چاپ اول، قم مقدسه: موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشي، چاپ اول، بغداد: دار الکفيل، ۱۴۴۲.
نراقی، احمد، مستند الشيعة، چاپ اول، بیروت: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث، ۱۴۲۹.

نویری، احمد بن عبد الوهاب، نهاية الأرب في فنون الأدب، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.

نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحيحین، چاپ اول، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱.

واقدي، محمد بن عمر، كتاب المغازي، چاپ اول، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ۱۴۰۹.
همدانی، رضا بن محمد هادی، مصباح الفقيه، چاپ اول، قم مقدسه: مؤسسة
الجعفرية لإحياء التراث، ۱۴۳۸.
يعقوبی، احمد بن ابی يعقوب، تاريخ اليعقوبي، چاپ اول، بيروت: مؤسسة الأعلمي،
۱۴۱۳.
يوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاريخ اسلام و تشیع، چاپ اول، قم
مقدسه: معارف، ۱۳۹۴.
---، موسوعة التاريخ الإسلامي، چاپ اول، قم مقدسه: مجمع الفكر الإسلامي، ۱۴۴۲.